



کتاب درسی زیردربین

دین و زندگی ۳

پایه دوازدهم

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک - فنی و حرفه ای و کاردانش

نکات کتاب درسی

بررسی خطبه خط کتاب درسی

تست ها و پرسش های متناسب با درس

تألیف: حسین باغانی

◀ معرفی انتشارات کاپ

انتشارات کاپ در سال ۱۳۹۸ با هدف «تولید محتوای آموزشی» اعلام موجودیت کرد. سیاست ما تولید آثاری است که فقدان و نیاز به آن‌ها در فضای آموزشی کشور احساس می‌شود.

◀ کتاب درسی خیلی مهم است!

مهم‌ترین و اولین منبعی که دانش‌آموز پس از حضور در کلاس درس باید به آن مراجعه کند، «کتاب درسی» است؛ این در حالی است که اکثر دانش‌آموزان قدم اول را به اشتباه با مطالعه کتاب‌های کمک‌درسی که گاهی فاصله زیادی تا کتاب درسی دارند، برمی‌دارند و نتیجه این تصمیم اشتباه و پرش مطالعاتی، یادگیری ناقص و ناآمادگی در آزمون‌های مرتبط با درس مورد نظر است.

◀ با مطالعه «کتاب‌های درسی زیر ذره‌بین» به چه نتایجی می‌رسید؟

واقعیت این است که اکثر دانش‌آموزان یا کتاب درسی را اصلاً نمی‌خوانند یا به‌طور سطحی می‌خوانند. این رویکردانی از کتاب درسی می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد:
دلیل اول: ممکن است کتاب درسی برای دانش‌آموز قابل درک نباشد.
دلیل دوم: ممکن است دانش‌آموز با خواندن کتاب درسی به هدف خود در فهم کامل مفاهیم کتاب و گرفتن نتیجه مناسب در آزمون‌های آن درس نرسد.

به دلایل دیگر کاری نداریم! «کتاب‌های درسی زیر ذره‌بین» دقیقاً برای رفع دو اشکال بالا طراحی و تألیف شده‌اند. در این کتاب‌ها، مؤلف خود را در جایگاهی قرار می‌دهد که مفاهیم یک درس را با استفاده مستقیم از متن کتاب درسی به خواننده یاد می‌دهد و هر جا نیاز به تفسیر مطلب، توضیح بیشتر، پرسش یا تست است، آن را به کتاب اضافه می‌کند تا کتاب درسی به‌طور کامل درک شود. با این کتاب‌ها به پایه‌های لازم برای پیشرفت در دروس خود دست پیدا می‌کنید. خیالتان که از بابت درک کتاب راحت شد، می‌توانید به منبع دیگری (مانند کتاب‌های تست) برای افزایش مهارت و رسیدن به تسلط در آن درس مراجعه کنید. تأکید می‌کنیم این کتاب‌ها حل‌المسائل نیستند، هر چند که ممکن است بعضی از پرسش‌های مهم کتاب درسی مورد بررسی قرار گرفته باشند.

◀ درباره این کتاب

این هم یکی دیگر از کتاب‌هایی است که با ساختاری نوین و منحصر به فرد توسط اتاق فکر انتشارات کاپ طراحی و توسط آقای باغانی تألیف شده است.

امیدواریم که مانند سایر کتاب‌های زیر ذره‌بین، مورد پسند شما قرار بگیرد.

مقدمه مؤلفان

سپاس خداوندی که علمی در سینه و قلم در دستان ما نهاد تا با آن بتوان زندگی خود و دیگران را آسان‌تر و گره‌از کارهای دشوار باز نمود.

هر آنچه شما دانش‌آموز گرامی برای کسب نمره کامل در امتحانات به دانستن آن نیازمند هستید را در این کتاب آورده‌ایم که نتیجه سال‌ها تدریس و تألیف در مدارس برتر کشور می‌باشد.

به امید استفاده مؤثر و نتایج عالی برای شما دانش‌آموز عزیز.

درس های کلیدی در تفصیح مطالب کل کتاب را با ستاره مشخص کرده ام

فهرست



فهرست

	بخش اول : تفکر و اندیشه ۲
۸ ● ○	درس اول : هستی بخش ۶
۱۸ ● ○	درس دوم : یگانه بی همتا * ۱۸
۲۸ ● ○	درس سوم : توحید و سبک زندگی ۳۰
۳۸ ● ○	درس چهارم : فقط برای تو * ۴۲
۴۶ ● ○	درس پنجم : قدرت پرواز ۵۲
۵۶ ● ○	درس ششم : سنت های خداوند در زندگی * * ۶۴
	بخش دوم : در مسیر ۷۶
۷۰ ● ○	درس هفتم : بازگشت * ۸۰
۸۲ ● ○	درس هشتم : زندگی در دنیای امروز و عمل به احکام الهی ۹۴
۹۶ ● ○	درس نهم : پایه های استوار ۱۰۸
۱۰۸ ● ○	درس دهم : تمدن جدید و مسئولیت ما * ۱۲۶

تفکر و اندیشه



بخش اول

علت اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، **معلول ۱** در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد. **معلول ۳**

اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ
 برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

مداومت در اندیشیدن
 بهترین عبادت‌هاست.

این بخش از کتاب به همین عبادت پرداخته است: اندیشه درباره خدا

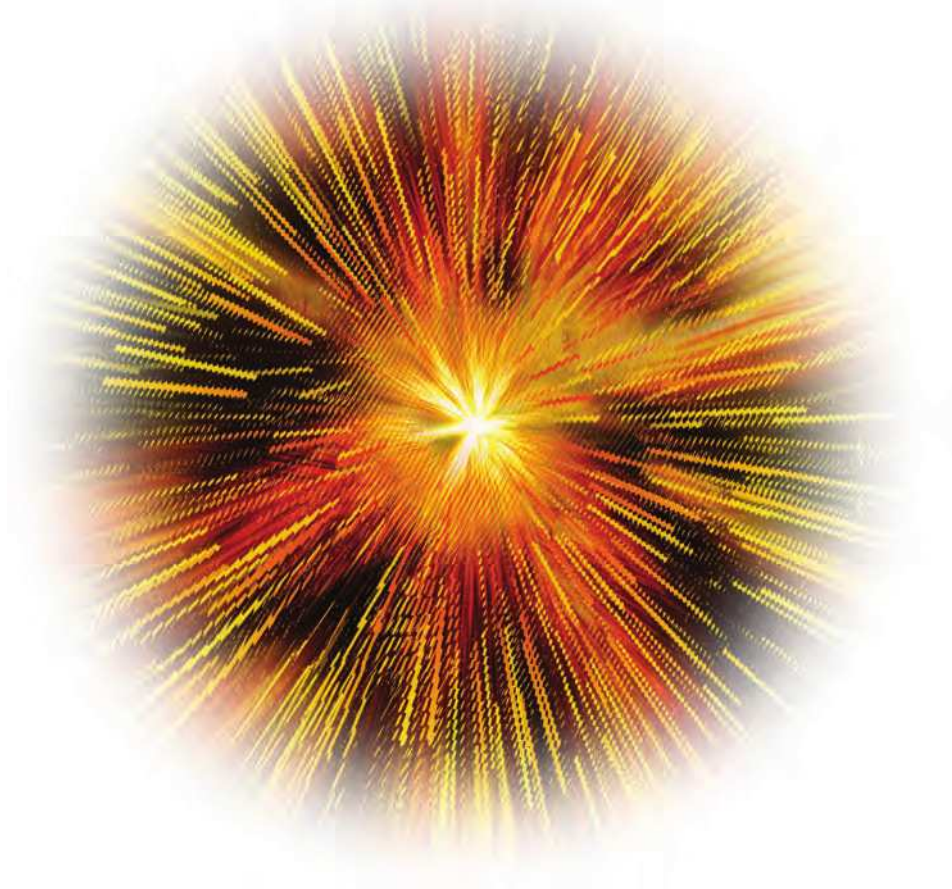
میوه اندیشه به صورت اعمال ظاهر می‌شود.

تفکر در ذات ممنوع ← تفکر در قدرت، آزاد

(اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)

خودش پیدا و آشکار است.
 باعث پیدایش دیگر چیزها می شود.

ویژگی های نور





درس اول

قدرتی است که مخصوص و محدود است.
هستی بحش



آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی دربارهٔ این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر دربارهٔ جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر دربارهٔ همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز دربارهٔ آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟! **پاسخ** همهٔ موجودات از جمله انسان، پدیده‌ای هستند که **بدصکار بودن** وجودشان از خودشان نیست و در وجود و هستی نیازمند به خدا هستند.

صفحات برعهده دانش آموز:
 ۴ تا ۵

پدیده = موجودات = وجودشان از خودشان نیست = فقیر = وابسته = وام‌دار

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات مدد می‌رساند. با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره‌ی خداوند فرامی‌خواند و راه‌های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها، تفکر درباره‌ی نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است. بیان این راه به شرح زیر است:

مقدمه اول

* اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده‌ای می‌یابیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین‌گونه می‌بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها، همه را پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.



نکته

مقدمه اول: به خود نگاه کنیم، خود را پدیده می‌بینیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست.

مقدمه دوم

* پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می‌کند:

پدیده‌ها، وجودشان از خودشان نیست.

ذاتِ نایافته از هستی، بخش چون تواند که بود هستی بخش^۱
خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب‌دهی^۲

آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.

نتیجه

* با توجه به دو مقدمه فوق می‌توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده‌های جهان، در پدیدآمدن و هست شدن خود به آفریننده‌ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این وجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.

علت‌العلل یا عین‌الذات است.

۱- «بخش» در مصرع اول به معنای بهره و سهم است و در مصرع دوم به معنای عطا کردن.

۲- جامی، هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، بخش ۱۹.

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

مقدمه اول: ما و این جهان وجودمان از خودمان نیستیم و هستی مان از خودمان سرچشمه نمی‌گیرد و پدیده هستیم.

مقدمه دوم: موجوداتی که پدیده هستند وجودشان از خودشان نیست.....

نتیجه: ما و همه پدیده‌های جهان در پدید آمدن و هستی شدن نیازمند به وجودی هستیم که وجودش از خودش و عین ذات می‌باشد.

پاسخ سؤالات شما (۱)

برخی می‌پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می‌گوییم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می‌شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی‌ماند. آن استدلال نمی‌گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند، زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی‌نهایت پیش خواهد رفت و هیچ‌گاه، هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده‌ها چرخ‌دنده وجود داشته باشد که هر یک باعث حرکت دیگری می‌شود. چرخ‌دنده اول، چرخ‌دنده دوم را می‌چرخاند و چرخ‌دنده دوم چرخ‌دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ‌دنده‌ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ‌دنده‌هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ‌دنده‌ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ‌دنده‌ها بی‌نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ‌دنده‌ها به هیچ موتوری که حرکت‌دهنده چرخ‌دنده‌ها باشد، نرسد؟ چنین چیزی غیرممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی‌نهایت چرخ‌دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی‌نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت‌ها» است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول‌ها تا بی‌نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی‌گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان‌طور که

سؤال: نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟

پاسخ: نیازمندی در همه شئون حیات از پیدایش تا بقا، که هیچگاه کم یا قطع نمی‌شود.

(نمایی - خرداد ۱۳۹۸)

سؤال: چرا خداوند می‌تواند نیاز انسان یا هر

موجود دیگری را برآورده کند؟

پاسخ: چون خداوند بی‌نیاز مطلق است (غنی) و به هیچ چیز وابسته نیست، می‌تواند

نیاز هر موجود دیگری را برطرف کند.

(نمایی - شهریور ۱۳۹۸)

نمی‌گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین‌کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می‌گوید «پدیده» نمی‌تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است. همان‌طور که ذهن ما نمی‌پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان‌طور هم، برعکس، نمی‌پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) است، شنیده‌اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده‌اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده‌اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟

نکته

بنا ← سازنده

بنا ← ساخته شده

اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ‌کدام از آنها را بنا به وجود نیاورده است. هریک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی‌کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می‌روند و ساختمان متلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود.

هستی‌بخش

به عنوان مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند. بنابراین، مسجد با ساخته شدن، از بنا بی‌نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.

استباه نکنیم

رابطه خداوند با جهان، مشابه رابطه بنا با مسجد نیست.
رابطه خداوند با جهان، مشابه رابطه مولد برق با جریان برق است.

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می کند :

ما چو نایم و نوا در ما ز توست	ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان	تا که ما باشیم با تو در میان
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما	تو وجود مطلق، فانی نما
ما همه شیران ولی شیر عَلم ^۱	حمله‌مان از باد باشد دم به دم ^۲

اشعار مولوی با آیات انتم
الفقراء و یسألهم قرابت
معنایی دارند.

تدبیر در قرآن

در آیات زیر تدبیر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

اشعار به انسان به عنوان
نمونه‌ای از مخلوقات

ای مردم
شما به خداوند نیازمند هستید
و خدا است که [تنها] بی نیاز ستوده است.

■ **یا أَيُّهَا النَّاسُ**
أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ
وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۳

■ **يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**
عَلْتِ
كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ^۴

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او
درخواست می‌کند.
او همواره دست اندرکار امری است.

- ۱- فکر می‌کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟ **پاسخ** زیرا خدا در هر لحظه امور جهان را تدبیر می‌کند و اگر انسان‌ها را به حال خود رها کند نیست و نابود می‌شوند.
- ۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟ **پاسخ** پیدایش و بقا
- ۳- چرا خداوند هر لحظه دست اندرکار امری است؟ **پاسخ** زیرا موجودات در هر لحظه به خدا نیازمند هستند.

آگاهی، سرچشمه بندگی

انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی‌توجه‌اند؛ اما انسان‌های آگاه دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند. هرچه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند. افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش بندگی (عبودیت و بندگی)

۱- عَلم: پرچم؛ در اینجا مولوی انسان‌ها را به شیرهایی تشبیه کرده که بر روی پرچم نقاشی شده‌اند و بر اثر وزش باد تکان می‌خورند.

۲- مثنوی، مولوی، دفتر اول (با اندکی تلخیص)

۳- ... قال آیه ۱۵.

تست: فهم کدام عبارت برای تقویت عبودیت و بندگی در پیشگاه خدا ضرورت دارد؟

(آزمون جامع - دبیرستان علامه طباطبایی)

۲) یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله

۱) قل الله خالق كل شيء

۴) ان یشاء ینهبکم وایت بخلق جدید

۳) هذا صراط مستقیم

پاسخ گزینه (۲) - هرچه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر می‌شود نیاز او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند که مؤید آیه انتم الفقراء الى الله است.

برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد

که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند: **ترکیب با درس ۶ دوازدهم**

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدا یا هیچ‌گاه مرا چشم به هم زدن به خودم وامگذار!

• **پیام آیه** حتی پیامبر (ص) نگران غفلت است. • **قرابت با آیه** يسألُه من في السماوات • مؤمن حقیقی امورش را به خدا واگذار می‌کند

نور هستی

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما شگفت‌انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...^۲ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است...

• **پیام آیه** اشاره به مشهود بودن خدا در جهان دارد. • هر موجودی به اندازه خودش تجلی بغش و نشانگر حکمت، قدرت و رحمت الهی است.

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند. پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟

✓ نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می‌شوند.

استبانه نکنیم

مطابق آیه الله النور السماوات والارض هر چیزی در جهان جلوه‌ای از جلوه‌های الهی است نه نوری از انوار وجود

خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می‌گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.

صرف فعل دیدن با آیه الله النور السماوات قرابت دارد

به هر چیزی که دید، اول خدا دید^۳

دلی کز معرفت نور و صفا دید

و به تعبیر بابا طاهر:

به دریا بنگرم دریا تو بینم

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

نشان از قامت رعنا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

تست: آیه شریفه «الله النور السماوات والارض» وابستگی موجودات به خدا را در بیان می‌کند و با حدیث شریف

..... قرابت معنایی دارد. (آزمون نشانه - مدارس برتر)

۱) پیدایش و بقا - «ما رأیت شیئاً الا ورأیت الله...»

۲) پیدایش و هستی یافتن - «ما رأیت شیئاً الا...»

۳) پیدایش و بقا - «تفکروا فی کل شیء...»

۴) پیدایش و هستی یافتن - «تفکروا فی کلی شیء...»

پاسخ گزینه (۱) - آیه شریفه مؤید پیدایی و آشکار شدن موجودات به واسطه نور خداوند و نیازمندی دائمی است و با حدیث علوی «ما رأیت شیئاً...» قرابت دارد. خود را بیشتر ابراز می‌کند که مؤید آیه انتم القواء الی الله است.

تفکر در حدیث

۱- حدیث مؤید عصمت عملی حضرت علی (ع) است.

پیام حدیث

۲- با آیه الله النور السماوات قرابت دارد.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا

إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ

قَبْلَهُ، وَ بَعْدَهُ، وَ مَعَهُ،

هیچ چیزی را ندیدم

مگر اینکه خداوند را

قبل و بعد و با آن دیدم

مقصود امام علی (علیه السلام) از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟

! پاسخ احساس کردن وجود خدا در هستی به واسطه معرفت عمیق و والا، انسان را به مرحله شهود می رساند.

اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والا است که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

ترکیب با درس ۶ دوازدهم

معلول - مشروط

نکته

عزم و تصمیم قوی، اولین گام برای ثبات قدم و پایداری در مسیر بندگی است (ترکیب با درس ۸ سال دهم)

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟

در پاسخ می گوئیم: موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، دو دسته اند:

✓ دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانات، ستارگان و کهکشانها؛ حتی کهکشانهای بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند. ^{معلول} علت

✓ دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ [زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است]. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات او را

محیط (خدا)

محاط همه موجودات

نکته

خداوند بر موجودات جهان احاطه دارد یعنی محیط و احاطه گر است و موجودات جهان نیز محاط و احاطه شده توسط احاطه الهی هستند.

۱- علم الیقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹.

می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ در همه چیز تفکر کنید

وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.

پیام آیه
• قرابت با حدیث امان تفکر دارد.
• لازمه شناخت، احاطه و دسترسی است که در مورد خدا مقدر نیست (ذات).

دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://quran-dept.talif.sch.ir>

۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند

۲- پاسخ به این پرسش که: آیا نظریه تکامل داروین و یا نظریه بیگ بنگ می‌تواند به مباحث خداشناسی لطمه‌ای بزند؟

پاسخ سوالات شما (۲)

چگونه می‌توان خدا را دید؟

رؤیت خداوند با چشم غیرممکن است، زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می‌تواند عکس برداری کند؛ آن‌هم اشیا بی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی‌بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیا مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد.

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، مترجم و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۹.

درباره خدا	
آزادالتفکر	ممنوع التفکر
صفات (کریم، غفار، مهربان، ...)	ذات
کیستی (چه کسی هست، چه صفاتی دارد)	چیستی (چگونه بودن)
هستی (بودن یا نبودن)	ماهوا
قدرت	ماهیت

خیلی مهم

ترکیب با آیه
الله النور السماوات دارد.

دوست نزدیک تر از من به من است
چه کنم با که توان گفت که دوست

وین عجب تر که من از وی دورم
در کنار من و من مهجورم

اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت‌های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت‌ساز و ساعت، تفاوت‌های این دو رابطه را بنویسید.

تفاوت‌ها	شباهت‌ها
۱- ساعت‌ساز، هستی بخش اجزای ساعت نیست و فقط نظم‌دهنده است اما خداوند هستی بخش تک تک اعضا است	۱- جمان و ساعت هر دو پدیده‌اند و به خالق و سازنده نیازمند هستند.
۲- دوام و بقای ساعت به ساعت‌ساز نیست ولی جمان وابسته به خالق آن است.	۲- جمان و ساعت هر دو مرکب از اجزایی هستند.
۳- نظم و پیچیدگی جمان بسیار فراتر از پیچیدگی یک ساعت است و نظم ساعت با نظم جمان قابل مقایسه نیست.	۳- جمان و ساعت هر دو منظم و هدفدارند.

۱- گلستان سعدی، باب دوم در اخلاق درویشان.